

روزنه‌گشایان و سلوک سیاسی میرحسین متأخر

منبع: سایت زیتون، روز سه‌شنبه، مورخ: ۱۴۰۴/۵/۷

رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود،

رهرو آن است که پیوسته و آهسته رود.

میرحسین موسوی متأخر، بیش از شانزده سال است که در سلوک سیاسی تحسین‌برانگیزش، به‌رغم پرداخت هزینه سیاسی سنگین، ثابت‌قدم بوده، مجدانه و صادقانه پیش آمده و مواضع سیاسی اصولی خویش را در قالب بیانیه‌های متعددی منتشر کرده؛ از بیانیه‌های هفده‌گانه در دوران جنبش سبز گرفته تا بیانیه بهمن‌ماه ۱۴۰۱ در بحبوحه «جنبش مهسا» و بیانیه پس از جنگ دوازده‌روزه اخیر و تجاوز دولت اسرائیل به خاک کشورمان.

میرحسین متأخر عزیز، با عنایت به آگاهی و شناختی که از وضعیت سیاسی داخل کشور دارد، در دو بیانیه آخر خود از راهکار خشونت‌پرهیز گذارطلبانه برگزاری رفراندوم و «تشکیل مجلس مؤسسان» برای برون‌رفت از اوضاع سیاسی بغرنج کنونی که میلیون‌ها ایرانی را در چنبره خود گرفتار کرده، سخن گفته؛ در این راستا، پیشنهادهای کوتاه‌مدتی نیز ارائه کرده است. روشن است که حکومت با پیشنهاد تشکیل مجلس مؤسسان همدلی ندارد و در برابر آن سخت مقاومت می‌کند. میرحسین هم این امر را به‌نیکی می‌داند.

در عین حال، در پرتو سرمایه سیاسی درخوری که طی شانزده سال اخیر اندوخته، می‌کوشد:

اولاً، نقشه راهی از جنس مقاومت مدنی پیش روی شهروندان ترسیم کند؛

ثانیاً، بر آن است تا با به رسمیت شناختن «حق تعیین سرنوشت» و تأکید بر «عاملیت» و «سوژگی» تک‌تک شهروندان و پس‌زدن رفتارهای منافی با کرامت انسانی - از جمله فلائی را کعبه خطاب کردن و پیش‌پای او سجده کردن؛ رفتارهایی که دانسته و نادانسته جاده‌صاف‌کن بازتولید مناسبات استبدادی و فاشیستی است - بر حجم حاملان و عده و عده کسانی که به این مشی و راهکار باور دارند، بیفزاید و مسیر بدل‌شدنش به گفتمان مسلط را هموار کند.

«روزگار غریبی است نازنین»!

بر خلاف سخن روزنه‌گشایانی که بیانیه و راهکار میرحسین را «بی‌حاصل» دانسته و بدون اشاره به ظلم عظیمی که بر او رفته - که قریب به پانزده سال است بدون برگزاری دادگاه و صدور حکمی در حصر خانگی به سر می‌برد و «قربانی» اراده صلب و سخت حاکمیت در این میان شده - ایشان را در جایگاه «سرزنشگر قربانی» نشانده‌اند! میرحسین عزیز، در بیانیه اخیر خود، به‌درستی هم تجاوز و جنایات اسرائیل و آمریکا را محکوم کرده، هم بر یک رشته خطاهای بزرگ که در بروز و ظهور این وضعیت نقش داشته‌اند، انگشت تأکید نهاده است. کسی

«قربانی» است و در وضعیت قربانی قرار می‌گیرد که در رخ‌دادن امر و حادثه‌ای، نقش و سهم و اختیاری نداشته باشد. حتماً سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، از جمله خواستار نابودی اسرائیل شدن - سیاستی که مغایر منافع ملی است - در بروز و ظهور این وضعیت نقش داشته است.

به تعبیر منطقیون، «اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند». پرداختن به سهم و نقش سیاست‌های جمهوری اسلامی در بروز و ظهور وضعیت کنونی، ابداً منافاتی با محکوم کردن تجاوز اسرائیل به خاک کشورمان و توسعاً نقد جدی سیاست‌های منطقه‌ای اسرائیل ندارد؛ بلکه مکمل آن است و روایتی واقع‌بینانه، منصفانه و جامع‌الاطراف به دست می‌دهد و نسبتی با «سرزنش قربانی» ندارد.

«هر صباحی غمی از دوران زمان پیش آید».

روا نیست که جماعتی در تحلیل خود از چند و چون و چرایی رسیدن به وضعیت کنونی در سپهر سیاست و احیاناً اقامه راهکار، بخشی از ماجرا را نبینند، زیر فرش بزنند، روایت نکنند و آگاهانه با وام‌کردن تعبیری پرطمطراق و شاعرانه، متعرض سیاست‌های جمهوری اسلامی نشوند؛ اما درویشی را که کهنه‌دل‌قی پوشیده و سال‌ها محصور و محبوس است و سرشار از صداقت و حریت و وطن‌دوستی، ملامت کنند:

اینش سزا نبود دل حق گزار من

کز غمگسار خود سخن ناروا شنید